

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه

۱۶ مارچ ۲۰۲۲



یونس نگاه

به شرمساری خود اعتراف کنیم

تعدادی از دوستان از سخنانی که حشمت غنی در مورد جوانان مدنی، رسانه‌ای و خبرنگار گفته است، برآشفته شده‌اند و می‌گویند کچالو فروشی افتخار است. نخیر افتخار نیست. ننگ است. بی‌آبرویی است. مجازات غفلت شما و یا تقاص سهمی است که در برپادی کشور داشته‌اید.

افتخار به شکست خوی زشت است. کسانی که از شهادت، شکست، هجرت، گرسنگی و بیکاری خود و مردمش به نیکی یاد می‌کنند، دروغ می‌گویند و یا ناآگاه‌اند. انسان شکست‌خورده افتخار ندارد. ما همه، در هر جایی که قرار داریم (مهاجر، در کمپ، مشغول کار شاقه در فابریک‌ها، در حال کچالو فروشی، در حال تماشای گرسنگی فرزندان و یا در حال چاپلوسی برای طالبان) همه آدم‌های بی‌افتخار و سرشکسته‌ایم.

این که از شکست خود گزارش جاندار می‌نویسیم، یا نوحه‌جانگداز می‌گوئیم و به آینده بهتر امید می‌بندیم از سرشکستگی ما کم نمی‌کند.

حشمت غنی راست می‌گوید. شما شرم‌منده، بی‌آبرو و ذلیل‌اید. دروغ نگوئید. در مرز پاکستان، در شهرهای پاکستان، در مرز ایران و شهرهای آن کشور، در داخل افغانستان و در سراسر دنیا دچار رنج و سرشکستگی نیستید؟

شما از اشرف و حشمت غنی چه کم دارید؟ شما را به وجدان‌تان سوگند غفلت نکردید؟ قوم‌پازی، پارتی‌بازی و رشوت‌ستانی، مردم‌آزاری و یا فریبکاری نکردید؟ اگر این‌کارها را نکردید آیا در حد توان خود در برابر فساد و ویرانی ایستادید؟ چرا شما نباید همچون مالک وطن عمل می‌کردید؟ و چرا نباید شما مانع فروپاشی نظام می‌گردیدید؟ مگر شما تا روزهای آخر فروپاشی مصروف روزمرگی نبودید؟ نمی‌گفتید که به من چی؟ تعدادی از شما مشغول موزه‌پاکی همان‌هایی نبودید که اکنون وطن‌فروش می‌خوانید؟ فیسبوک‌چلونکی‌های طرف‌های درگیری قومی، سمتی، زبانی، مذهبی و قبیله‌ئی چه کسانی بودند؟

در افغانستان شاید افراد بسیاری با افتخار داشته باشیم که در محیط کوچک کار خود قدم‌هایی برداشته‌اند. اما در بیست سال گذشته هیچ قشر درس‌خوانده یا صاحب مأموریت و بزنس و نهاد نداشتیم که امروز به گذشته خود افتخار کند. همه اقشار و گروه‌های راست، میانه، چپ، دولتی و غیر دولتی مشغول برپادی یا غرق در غفلت بودند. ننگ به همه ما. این شرمندگی باید چون شوک سرآغاز بیداری باشد. من شخصاً از شدت افتخار به کارهایی که در بیست سال گذشته کرده‌ام، این قدر با شما سخن نمی‌گویم. احساس جرم می‌کنم. احساس می‌کنم که در بیست سال گذشته به مردم خدمت نکرده‌ام، به وطن و خانواده‌ام خدمتی را که در توانم بود نکرده‌ام. من نیز فریب آرامش دروغین را خورده بودم و بیشتر وقتم به سروسامان دادن زندگی شخصی‌ام گذشت. دوست دارم جبران کنم اما از آنچه در بیست سال گذشته نکردم شرم دارم.

ملت شکست‌خورده و در به در چرا از افتخار سخن بگوید؟ بشرمید و بیدار شوید!